

موفقیت خانواده و تأثیر خانوادگی جهت یاب در آن

منصوره زارعان*

چکیده

پژوهش حاضر در صدد بررسی موفقیت خانواده و تأثیر خانوادگی جهت یاب بر آن، است. در این تحقیق با توجه به مبانی نظری طرح شده خانوادگی موفق تعریف شده و مؤلفه‌هایی همچون صمیمیت و همدلی، استقلال اعضای خانواده، رضایتمندی، تأمین نیاز اعضای خانواده، انسجام خانواده و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی در خانواده معرفی و مفهوم‌سازی شدند. سپس با تعریف عملیاتی این مؤلفه‌ها وضعیت خانواده‌ها سنجیده شده است. روش انجام پژوهش پیمایش و جامعه‌ی آماری آن خانواده‌های تهرانی است که دست کم پنج سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته و حداقل یک فرزند دارند. حجم نمونه ۳۶۷ خانواده برآورد شده است. نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که ۶ درصد از خانواده‌های تهرانی از موفقیت خانواده در سطح ضعیف، ۶۶ درصد در حد متوسط و ۲۸ درصد در حد مطلوبی از سلامت خانوادگی برخوردارند. نتایج تبیینی نیز نشان داد که رابطه‌ی قوی و معناداری بین موفقیت خانوادگی با موفقیت خانوادگی جهت یاب وجود دارد. هر کنش و واکنشی که در خانوادگی جهت یاب به وقوع بپیوندد، به‌طور مستقیم توسط فرزندان الگوبرداری می‌شود و در زندگی آینده‌ی آن‌ها منعکس خواهد شد.

واژگان کلیدی

خانوادگی موفق، موفقیت خانواده، خانوادگی اصلی، خانوادگی جهت یاب.

۱- مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائل مهم و قابل توجه در جامعه، موفقیت خانواده است. جامعه‌ی سالم تنها با خانواده‌های موفق شکل می‌گیرد. از آنجا که خانواده سلول‌های تشکیل دهنده‌ی جامعه و کوچک‌ترین واحد اجتماع است، سلامت سلول‌ها به سلامت سیستم می‌انجامد و در مقابل اختلال هر سلولی به کل سیستم ضرر می‌رساند و باعث تخریب سیستم یعنی جامعه می‌شود. هر خانواده‌ای ابتدا از یک زن و شوهر تشکیل می‌شود که آنها نیز در خانواده‌ی پدری خود یعنی خانواده‌ی اصلی، رشد یافته و تربیت شده‌اند. تربیت در خانواده‌ی پدری تأثیر مستقیم در زندگی آینده‌ی آنها می‌گذارد. خانواده‌هایی که پیشینه‌ی سالمی داشته باشند، خانواده‌های سالمی خواهند بود. به بیان روشن‌تر در صورت صحیح بودن تربیت خانوادگی خانواده‌ها نیز سالم خواهند بود. ناموفق بودن خانواده نتیجه‌ی انتقال تربیت مسموم از نسلی به نسل دیگر است. برخورد سیستمی با خانواده، چگونگی انتقال تربیت مسموم از نسلی به نسل دیگر را توضیح می‌دهد. اختلالات تربیتی و رفتاری هرگز پدیده‌ای فردی و تفکیک‌پذیر نیست. خانواده یک نظام و یک سیستم است و هر کنش و واکنشی در آن به منزله‌ی الگویی برای فرزندان است. فرزندان در ارتباط‌های آینده و کنش‌های خود از آموزه‌های‌شان در خانواده بهره می‌برند.

امروزه جامعه ما با مشکلات عدیده‌ای روبروست که حل بسیاری از آن‌ها در تربیت خانوادگی صحیح نهفته است. اگر افراد تربیت صحیحی

داشته باشند، به یقین بسیاری از معضلات اجتماعی به راحتی حل خواهد شد. تربیت صحیح نخست وظیفه‌ی خانواده است. پایه‌های شخصیتی افراد در خانواده شکل می‌گیرد. تربیت هرگونه که باشد، صحیح یا غلط، در کودکی و نوجوانی نهادینه می‌شود و در جان آنها مستقر می‌گردد. فرزندان رفتار بزرگ‌ترها را مشاهده و بازتولید می‌کنند. هرگونه کنش و واکنشی از طرف پدر و مادر الگویی است برای فرزندانی که خود در آینده خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند و صاحب فرزندانی خواهند شد.

بنابراین زوجینی که به خانواده‌ی جدید پا می‌گذارند، هر کدام حامل الگوهای رفتاری و تربیتی هستند که بر گرفته از خانواده‌ی اصلی آنهاست. سلامت رفتاری زندگی این زوجین به میزان برخورداری آنها از تربیت صحیح خانوادگی ایشان بستگی دارد. هرگونه حادثه، رفتار و کنش و واکنشی که در خانواده اتفاق می‌افتد، الگویی برای فرزندان است و منجر به تقلید یا رفتارهای مشابه می‌شود. زوجین خانواده جدید، ایثار، فداکاری، عشق ورزیدن، اخلاق خوش و یا به عکس خودخواهی، تندخویی و لجاجت را از قبل الگوبرداری کرده اند و اینک به بازتولید آنها می‌پردازند.

خشونت خانوادگی یکی از مسائلی است که می‌توان با توجه به این نظریه بررسی کرد. هالفورد تأثیر مشاهده‌ی خشونت زناشویی در خانواده‌ی اصلی را روی کنترل تعارض زناشویی در زوجین جوان بررسی کرد. براساس یافته‌های پژوهش هالفورد، در زندگی زناشویی زوجینی که در آنها شوهر خشونت زناشویی را در خانواده‌ی اصلی خود گزارش کرده بود، در مقایسه

با زوجینی که هیچ کدام خشونت زناشویی را در خانواده‌ی اصلی خود گزارش نکرده بودند، خشونت و عواطف منفی بیشتری رد و بدل می‌شد» (آریا تبار ۱۳۸۴: ۳۳).

ایبلز معتقد است، براساس نتایج تحقیقات تفاوت‌های زیادی در روابط بین فرزندان بزرگسال و پدر در خانواده‌های طلاق و غیر طلاق وجود دارد. مقیاس PSRS مؤید تحقیقات قبلی است مبنی بر اینکه روابط بزرگسالان با پدر در خانواده‌های طلاق در مقایسه با روابط همسالان ایشان در خانواده‌های عادی و غیر طلاق بدتر است. در نتیجه فرزندان بزرگسال در خانواده‌های طلاق نسبت به خانواده‌های غیر طلاق روابط بدتری با پدر داشتند، اما در ارتباط با جنسیت، تفاوت جنسیتی خاصی در روابط فرزندان طلاق و غیر طلاق وجود نداشت (Ables 1997).

این نوشتار در صدد است به بررسی تأثیر خانواده‌ی اصلی در خانواده‌ی جهت‌یاب بپردازد. از این رو به دو پرسش اصلی ذیل پاسخ می‌گوید:

- ویژگی‌های خانواده‌ی موفق چیست؟
 - آیا خانواده‌ی جهت‌یاب در خانواده‌ی اصلی تأثیر می‌گذارد؟
- همچنین در این نوشتار، شرایط موفقیت خانواده و ویژگی‌های تربیت صحیح یا غلط در خانواده‌ی پدری، به عنوان یکی از عوامل مؤثر در موفقیت خانواده بررسی می‌شود.

۲- مبانی نظری پژوهش

پارسونز معتقد است که اشتغال زنان علاوه بر آنکه موقعیت عاطفی زن را در خانواده متزلزل می‌سازد به سبب رقابت شغلی زن با شوهر به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌انجامد (Adams' 1986: 238-240). روزن باوم^۱ ضمن انتقاداتی که به کونینگ دارد از گفته‌های او نتیجه می‌گیرد که تولید ثانوی انسان به عنوان شخصیت اجتماعی - فرهنگی فقط در خانواده تحقق می‌یابد. معنای دیگر این ادعای کونینگ این است، که صرف نظر از استثناها، شکل معمول خانواده‌ی کوچک در جامعه‌ی ما بهترین شرایط را برای رشد شخصیت کودکان عرضه می‌کند (روزن باوم ۱۳۷۶: ۱۰۱).

گیدنز^۲ خانواده را یک نهاد اصلی جامعه‌ی مدنی می‌داند. وی در مقابل نظریات کلان‌نگر سوسیالیستی و خردنگر لیبرالی در مورد خانواده راه سومی را پیشنهاد می‌کند. گیدنز راه سوم در نظام خانواده را خانواده‌ی دموکراتیک می‌نامد که شاخص‌های آن عبارت است از: «برابری، استقلال، احترام متقابل، تصمیم‌گیری از طریق برقراری ارتباط و آزادی از خشونت» (گیدنز ۱۳۸۶: ۱۰۵). از نظر او دموکراسی احساسات، قرار دادن زندگی روزمره در موازات با معیارهای دموکراتیک‌تر است (گیدنز ۱۳۷۹: ۱۰۴).

صمیمیت و همدلی یکی از مؤلفه‌های موفقیت خانواده است. پارسونز معتقد است از آنجا که عشق عامل پیوند دهنده‌ی زن و شوهر است، پس

1- Rosenbaum

2- Giddens

خانواده، محیطی صمیمی و سرشار از عشق و علاقه - چه در رابطه‌ی زن و شوهر و چه در رابطه پدر- مادر - فرزندان - است» (اعزازی ۱۳۸۷: ۶۹). فیلیپ مک گراو^۱ خانواده‌ای را موفق می‌داند که هر یک از اعضای آن به نوبه‌ی خود مانند ستاره‌ای می‌درخشند. همگی از موهبت‌ها، مهارت‌ها و استعدادهایشان استفاده می‌کنند و از وضعیت و موقعیت خود راضی هستند. زندگی آنها سرشار از امید، شور و شوق و انرژی است. آنها در خانواده مورد محبت و احترام‌اند (مک گراو ۱۳۸۸: ۵۹). برقراری ارتباط عاطفی و کلامی میان زن و شوهر و دیگر اعضای خانواده، مهم‌ترین عامل موفقیت در ازدواج و تأمین کننده‌ی سلامت خانواده محسوب می‌شود (به‌پژوه، ۱۳۸۹: ۴۰).

با توجه به آنچه گذشت، به طور کلی در توصیف ویژگی‌های خانواده‌ی موفق می‌توان گفت، بین اعضای خانواده‌ی موفق، محبت و صمیمیت حاکم است. خانواده‌ی موفق خانواده‌ای است که اعضای خانواده مستقل‌اند و ارتباط صحیح در نظام خانواده وجود دارد. نیازهای اعضای خانواده برآورده و در مجموع احساس رضایتمندی و سلامتی روحی و اخلاقی اعضای خانواده تأمین می‌شود. خانواده منسجم بوده و زمینه برای رشد و تعالی اعضا فراهم است.

در تبیین خانواده‌ی موفق نظریات گوناگونی مطرح شده است. نظریه‌ی یادگیری اجتماعی^۲ یکی از نظریات معتبر در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی

1- Mc Graw

2- Social learning Theory

در ارتباط با خانواده است. با توجه به نظریه‌ی یادگیری، بعضی از متغیرهای اثرگذار در موفقیت خانواده به سابقه و پیشینه‌ی خانوادگی زوجین و تأثیرات رفتاری خانواده پیش از ازدواج هر کدام، یعنی به خانواده‌ی جهت‌یاب، زوجین برمی‌گردد (Chibucos and Leite, 2005: 95-97 and Skolnick, 1983: 356-364). شیوه‌ی فرزند پروری کاملاً از اصول یادگیری بهره‌مند است. بندورا بر اهمیت مشاهده و سرمشق‌گیری از رفتارها، نگرش‌ها و عکس‌العمل‌های عاطفی دیگران تأکید دارد. بنابراین روش‌های فرزند پروری نیز می‌تواند از اصول یادگیری بهره‌مند شود. بدیهی است که افراد با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت‌های فردی را می‌توان برحسب تجارب یادگیری متفاوت تبیین کرد (آریا تبار ۱۳۸۴: ۳۳).

خانواده تا حد زیادی در شکل‌گیری رفتار فرزندان مؤثر است. خانواده‌ی موفق صفات مطلوب را در کودکان ایجاد می‌کند و به رشد این صفات در کودکان توجه دارد. خانواده‌ی سالم و موفق محیطی مناسب برای رشد و تعالی فرزندان است و زمینه را برای یادگیری کنش‌ها و واکنش‌های مطلوب فراهم می‌کند. در یک خانواده‌ی موفق پدر و مادر می‌دانند که الگویی برای فرزندان خود هستند و فرزندان در همه‌ی امور کنش‌ها و واکنش‌های خود را از آنان تعلیم می‌بینند. سنگ بنای چگونگی کنش‌های فرزندان با الگوگیری از والدین شکل می‌گیرد.

نظریه‌ی یادگیری که خود برخاسته از نظریه‌ی انتقال است، به درستی انتقال رفتارهای خوب و بد از والدین به فرزندان را تبیین می‌کند. فرهنگ

مسلط در خانواده به فرزندان منتقل می‌شود و رفتار آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو جهت هرگونه تغییر و اصلاحی در رفتار فرزندان باید ابتدا به سراغ خانواده رفت. سفیری به سه نظریه «یادگیری» و نظریه «رشد شناختی» و نظریه «هویت در جامعه پذیری» اشاره می‌کند. وی در ارتباط با نظریه یادگیری و نظریه رشد شناختی معتقد است: «اینها هر دو اهمیت دارند و چنانچه ما به جای اینکه منحصراً روی رفتارهای والدین با فرزندان تمرکز کنیم، به بررسی والد-فرزندی بپردازیم، می‌توانیم جامعه پذیری را درک کنیم» (سفیری ۱۳۸۸: ۵۱). بارکر معتقد است: «هرگاه بنا باشد نظریه یادگیری به طور بالینی در خانواده به کار برده شود، باید ابتدا الگوهای رفتاری آنها به دقت بررسی شود و سپس طرحی برای پی‌آیندها یا شرایطی که تصور می‌رود رفتار را کنترل می‌کنند ریخته شود. معمولاً این طرح مستلزم مداخله مستقیم در خانواده به منظور تغییر الگوی پاسخ‌های نگران‌کننده است» (بارکر ۱۳۸۸: ۵۷). چی بو کاس و لایت معتقدند: «دیدگاهی که در نظریه یادگیری اجتماعی دیده می‌شود، تقریباً در مسائل فرزندپروری، رشد کودکان، تعامل خانوادگی، کارکرد خانوادگی بین نسلی و حوزه‌های بسیار دیگری در رشد فردی و زندگی خانوادگی رایج است. برای نمونه، شما چند بار شنیده‌اید که پدر و مادرتان می‌گویند کارهایی را می‌کنند که پدر و مادرشان با آنها کرده‌اند؟ چرا والدین نمی‌خواهند که در مقابل بچه‌ها سیگار بکشند یا فحش بدهند؟» (Chibucos & Leite, 2005: 96 - 97).

سالاری فر می‌گوید: «وظیفه‌ی والدین، پرورش کودک و اجتماعی کردن او طی مراحل مختلف است. در نوزادی و کودکی، تغذیه و حفاظت، غالب وظایف والدین را تشکیل می‌دهد. در سنین میانی کودکی، کنترل و راهنمایی اهمیت بیشتری دارد و در نوجوانی، فراهم آوردن زمینه‌ی استقلال آنها از نکات مهم است. از آنجا که کودک تا جوانی بیشتر مدت زندگی خود را با خانواده می‌گذراند و معمولاً نزدیک‌ترین روابط را با خانواده دارد، مهم‌ترین عامل رشد و تحول او در ابعاد مختلف جسمانی، شناختی، رفتاری و عاطفی، خانواده است» (سالاری فر ۱۳۸۷: ۸۱-۸۹). یکی از مسائل مطرح در خانواده‌ی موفق، هدایت در حوزه‌ی معنوی است. یادگیری و الگوبرداری در این زمینه نیز اجرا می‌شود. الیاس و همکاران می‌گویند: «والدین چگونه فرزندان خود را به حوزه‌ی معنویت هدایت می‌کنند؟ قوی‌ترین ابزاری که در دسترس داریم، الگوبرداری است. منظور ما از الگوبرداری، اصول خاصی نیست که والدین سعی می‌کنند فرزندانشان را به پیروی از آنها وادار کنند، بلکه شیوه‌ی زندگی فرد است. این امر به نحوه‌ی تشریح مساعی والدین با دیگران و سبک زندگی آنها بستگی دارد» (الیاس، تویاس و فریدلندر ۱۳۸۹: ۷۴). زیبایی‌نژاد معتقد است، نگاه خانواده‌محورانه به محتوای نظام تربیت، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که چه بینش‌ها و ارزش‌ها و مهارت‌های عملی، به دختران و پسران انتقال یابد تا آنان تصویری درست و ارزشمند از خانواده به دست آورند و مسئولیت‌های خود را در برابر تشکیل و استواری و کارآمدی خانواده بشناسند و نسبت به ایفای درست نقش‌ها و مسئولیت‌های خویش

توانمند گردند (زیبایی‌نژاد ۱۳۹۱: ۲۰۶). فرد از بدو تولد خود را در میان فرهنگ خانواده محصور می‌بیند. آداب و رسوم و الگوهای خانواده از هر جهت او را در بر گرفته‌اند و تمام رفتارهای پدر و مادر و اطرافیان مستقیم یا غیر مستقیم به فرزند منتقل می‌شود. فرزند در سنین کودکی منفعلانه و تقلیدوار الگو پذیری دارد و در این مسیر مقاومتی از خود نشان نمی‌دهد. یکی از نظریات دیگر در این زمینه دیدگاه سیستمی خانواده^۱ است که از نظریه‌ی کلی سیستم‌ها به وجود می‌آید. در نظریه‌ی کلی سیستم‌ها، کل یک سیستم به عنوان مجموعه‌ای از عناصر مرتبط به هم دیده می‌شود که محدوده‌ی آنها را فرا گرفته است و ویژگی‌ها و خواص مشترکی دارند (Chibucos & Leite, 2005: 279). استریت معتقد است، در مطالعه‌ی خانواده و درمان مشکلات هر یک از اعضای آن، باید بر کل خانواده تمرکز کرد؛ بر روابط کودکان و والدین با یکدیگر و بر روابط تمام اعضا با یکدیگر (استریت، ۱۳۸۷: ۴۵). اپستین و بیشاپ معتقدند: «خانواده به عنوان ماشینی فرض می‌شود که مجموعه‌ای به هم پیوسته از عناصر دارد که با همدیگر یک کل هماهنگ را تشکیل می‌دهند» (آزاد ۱۳۸۶: ۲۷ به نقل از اپستین و بیشاپ ۱۹۸۱: ۴۴۷).

بنابراین یکی از عوامل مؤثر در سلامت هر خانواده، وضعیت خانوادگی جهت‌یاب او است. رابطه‌ی فرزند-والدی و تأثیرات تربیتی آن بر خانوادگی آینده‌ی فرزندان و کنش‌ها و واکنش‌های آنها اثر مستقیم دارد. خانواده در تماس مداوم با کودک است و کودک را با هنجارها و ارزش‌ها آشنا می‌کند.

1- Family Systems Theory

پذیرش الگو از طریق خانواده انجام می‌شود و اجتماعی شدن کودک در خانواده تحقق می‌یابد. فرید می‌گوید: «اصول و قواعد فرهنگی که کودک عمری با آن زندگی می‌کند، از طریق خانواده به وی منتقل می‌شود و هر نوع روابطی که در آینده با اجتماع برقرار کند، قطعاً نشت گرفته از دوران کودکی‌اش محسوب می‌شود» (فرید ۱۳۸۸: ۱۴۷). مسائل ایجاد شده در خانواده‌ی جهت‌یاب، تأثیرات مستقیمی در زوج‌های آینده دارد. گوشه‌گیری و منزوی بودن، ضعف در یادگیری دروس و ترک تحصیل و تنش‌های عصبی عوارضی است که از شرایط خاص حاکم بر خانه ناشی می‌شود. گلدنبرگ و گلدنبرگ می‌گویند: «روابط زناشویی لاجرم تحت تأثیر تجارب هر یک از طرفین با خانواده‌ی مبدا خویش قرار دارد» (گلدنبرگ و گلدنبرگ ۱۳۸۶: ۱۵۴).

۳- چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق با توجه به توصیف خانواده‌ی موفق و تلفیق نظریه‌ی یادگیری و نظریه‌ی سیستمی تدوین شده است. در توصیف خانواده‌ی موفق به عنوان متغیر وابسته شش مؤلفه مشخص شده است که عبارت است از: صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده، استقلال اعضای خانواده، رضایتمندی اعضای خانواده، تأمین نیاز اعضای خانواده، انسجام اعضای خانواده و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی در خانواده. کونینگ^۱ صمیمیت را مشخصه‌ی اصلی و تفکیک‌ناپذیر خانواده می‌داند و

1- Konig

از خانواده به عنوان گروهی خاص نام می‌برد که اعضای آن با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند. او مهم‌ترین خصلت خانواده را رویارویی روابط و صمیمیت می‌داند. وی همچون کولی بر گروه اولیه بودن خانواده تأکید دارد و دو اصطلاح گروه اولیه و گروه صمیمی را در مورد خانواده به یک معنی به کار گرفته است (اعزازی ۱۳۸۷: ۷۲). یکی دیگر از مؤلفه‌های خانواده‌ی موفق، استقلال اعضای خانواده است. مک‌کی و فنینگ معتقدند: «مهم‌ترین وظیفه والدین، آموختن مهارت‌ها و دانشی به فرزندان است که برای ترک خانه و مستقل شدن نیاز دارند» (مک‌کی و فنینگ ۱۳۸۹: ۴۲۳). از دیگر مؤلفه‌هایی که احتمالاً به موفقیت خانواده می‌انجامد، رضایتمندی خانوادگی است. فالیکو^۱ با تقسیم مراحل زندگی خانوادگی به هفت مرحله، معتقد است که عموماً رضایت خانوادگی برای زن و شوهر در مرحله‌ی اول ازدواج و آخرین مرحله یعنی دوران بازنشستگی به بالاترین سطح خود می‌رسد (falicov, 1988: 75). رفع نیازهای اعضای خانواده از مؤلفه‌های دیگری است که احتمالاً به موفقیت بیشتر در خانواده منجر می‌شود. انسجام خانواده نیز از دیگر مؤلفه‌های خانواده‌ی موفق است. جان براد شاو^۲ معتقد است عواملی از جمله تفرد، مهر و محبت، فضای تهی از داوری، رابطه‌ی زناشویی بر اساس مساوات و برابری، اساس موفقیت خانواده را تضمین می‌کند. از نظر او معیارهای مهم در یک زندگی موفق عبارت‌اند از بهره‌مند بودن از آزادی،

1- falicov

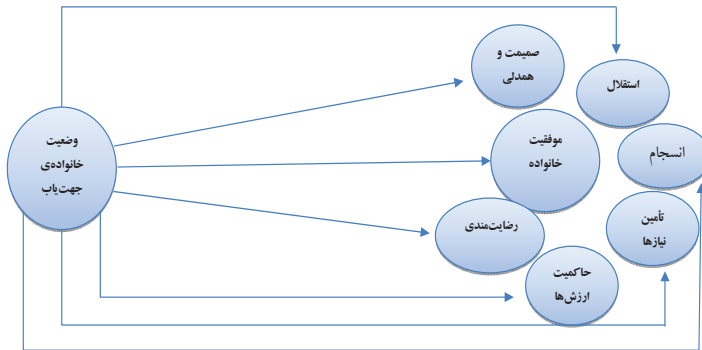
2- Bradshaw

ابراز صمیمیت، مذاکره درباره‌ی تفاوت‌ها، ارتباط روشن و سازگار، اعتماد کردن، تفرّد، انعطاف‌پذیری، برآورده شدن نیازها، پاسخ‌گویی، قوانین باز و انعطاف‌پذیر (برادشاو ۱۳۸۶: ۹۶-۹۵). همچنین می‌توان از حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی به عنوان مؤلفه‌ی دیگر خانواده موفق نام برد. هیونگ^۱ نیز فعالیت‌های مذهبی را عاملی برای افزایش رضایتمندی بیشتر خانواده می‌داند (Heung2008: 45). برادشاو با نگرش سیستمی به خانواده می‌نگرد. او موفق نبودن خانواده را نتیجه‌ی انتقال تربیت غلط از نسلی به نسل دیگر می‌داند. وی همچنین معتقد است که برخورد سیستمی با خانواده چگونگی انتقال تربیت غلط از نسلی به نسل دیگر را توضیح می‌دهد. او بر آن است که بیماری ذهنی، هرگز پدیده‌ای فردی و تفکیک‌پذیر نیست. نگرش سیستمی، خانواده را به عنوان یک نظام می‌پذیرد و هر یک از اعضای آن را به عنوان نشانه‌ای از روان‌آسیب‌شناسی خانواده در نظر می‌گیرد. در این صورت بیمار شناسایی شده، نشانگان ناموفق بودن نظام خانواده به حساب می‌آید (برادشاو ۱۳۸۶: ۴۶). برادشاو نتیجه‌ی تربیت غلط پدر و مادر را بازتولید تربیت غلط توسط فرزندان می‌داند و معتقد است که حاصل تربیت مسموم، افراد شرمنده‌ای است که با اشخاص شرمنده ازدواج می‌کنند و هر کدام پدر و مادر خود را الگو قرار داده‌اند. اینها فرزندان خود را همان‌طور که پدر و مادرشان آنها را تربیت کردند، تربیت می‌کنند و این موقعیت در نسل‌ها یکی

1- Heung

پس از دیگری ادامه می‌یابد (همان: ۵۱). دی. نای معتقد است، والدین در اصل نمایندگان جامعه هستند، آنها برای روش‌های درست و نادرست اندیشه، احساس و عمل معیارهای فراوانی دارند. در شرایط عادی زندگی خانوادگی، این روش‌ها به کودکان منتقل می‌شود و در نتیجه از نسلی به نسل دیگر تداوم می‌یابد (جلالی ۱۳۸۱: ۳۰).

فرزندان پدر یا مادر خوش اخلاق، یاد می‌گیرند که خوش اخلاق باشند و فرزندان پدر و مادر بد اخلاق، بد اخلاقی را یاد می‌گیرند. آنها صمیمیت و مهرورزی را در خانواده‌ی پدری خود یاد می‌گیرند. همچنین یاد می‌گیرند که فردی مستقل باشند و برای استقلال دیگر اعضا احترام قائل‌اند. رعایت حقوق یکدیگر، تعهد و مسئولیت‌پذیری، ادب و احترام، ایمان و اعتقاد و تلاش در رفع نیازهای خانواده و بسیاری از افکار و رفتارهای دیگر فرزندان در خانواده آموخته می‌شود. از این رو لازم است که فرزندان، بسیاری از عواملی را که در یک خانواده‌ی موفق باید رعایت شود، از قبل آموخته باشند و آنها را درونی کرده باشند. به بیان دیگر موفقیت خانواده‌ی آینده‌ی فرزندان در گرو تربیت صحیح آنهاست و در مقابل خانواده‌های ناسالم محصول تربیت غلط در خانواده‌های جهت‌یاب هستند. این چارچوب در مدل تحلیلی زیر دیده می‌شود:



مدل تحلیلی تحقیق

۴- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی:

هر چه خانوادگی جهت‌یاب زن و شوهر، موفق‌تر باشد، میزان موفقیت خانوادگی اصلی بیشتر است.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- هر چه خانوادگی جهت‌یاب زن و شوهر موفق‌تر باشد، میزان صمیمیت و همدلی در خانوادگی اصلی بیشتر است.
- ۲- هر چه خانوادگی جهت‌یاب زن و شوهر، موفق‌تر باشد، میزان استقلال در خانوادگی اصلی بیشتر است.
- ۳- هر چه خانوادگی جهت‌یاب زن و شوهر، موفق‌تر باشد، میزان رضایت‌مندی در خانوادگی اصلی بیشتر است.
- ۴- هر چه خانوادگی جهت‌یاب زن و شوهر، موفق‌تر باشد، میزان تأمین

نیاز در خانواده‌ی اصلی بیشتر است.

۵- هر چه خانواده‌ی جهت‌یاب زن و شوهر، موفق‌تر باشد، میزان انسجام

در خانواده‌ی اصلی بیشتر است.

۶- هر چه خانواده‌ی جهت‌یاب زن و شوهر، موفق‌تر باشد، میزان

حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی در خانواده‌ی اصلی بیشتر است.

۵- روش پژوهش

روش اصلی در این پژوهش به دلیل گستردگی موضوع تحقیق، روش پیمایش است و برای انجام تحقیق از پرسشنامه استفاده شد. در این تحقیق پرسشنامه به‌طور حضوری و با مراجعه به خانواده‌های تهرانی که دست‌کم صاحب یک فرزند می‌باشند تکمیل گردید. جامعه‌ی آماری این تحقیق خانواده‌های تهرانی ساکن در شهر تهران که حداقل صاحب یک فرزند هستند، می‌باشد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۷ خانواده برآورد شده است.

بنابر سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ تعداد خانوارهای شهر تهران ۲۲۲۷۸۹۲ بوده است که از این تعداد ۶۱۸۰۲۰ مورد، خانوارهای یک نفره و دو نفره هستند، اما جامعه‌ی آماری ما خانوارهای سه تا ده نفره می‌باشند که ۱۶۴۹۸۷۲ مورد را دربرمی‌گیرد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، ۱۳۸۸: ۸۹). روش نمونه‌گیری، تصادفی و سیستماتیک بوده است. پرسشنامه حاوی ۱۱۴ سؤال بوده که پس از پیش‌آزمون و اطمینان از پایایی و روایی آن برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. لازم به یادآوری است

که پاسخ‌گویان یا واحد مشاهده‌ی تحقیق زنان بوده‌اند که اطلاعات مربوط به خانوادگی خود و همسرانشان از آنها پرسیده شده است.

۶- تعریف مفاهیم

۶-۱- تعریف نظری و عملیاتی موفقیت خانواده (متغیر وابسته):

تعریف این مقاله از خانوادگی موفق برگرفته از نظرات مک‌گراو و براشاو و کونینگ است. بر این اساس، در یک خانوادگی موفق و سالم مهر و محبت حاکم است و اعضای خانواده صمیمیت و علاقه را به خوبی احساس می‌کنند. چنین خانوادگی سرشار از شوق است که اعضای خانواده همگی از مهارت‌ها، موهبت‌ها و استعدادهایشان بهره‌برداری کنند و از وضعیت و موقعیت خود راضی باشند. در یک خانوادگی موفق همه‌ی اعضای خانواده احترام یکدیگر را حفظ می‌کنند و ارتباطات خانوادگی بر مبنای احترام آمیخته با محبت است. نیازهای مختلف در این نوع خانواده برآورده می‌شود. ارزش‌های اخلاقی و اسلامی در خانواده حاکم است (اعزازی، ۱۳۸۷: ۷۲ به نقل از کونینگ ۱۳۸۸: ۶۱-۱۱۴ برادشاو، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۹). در یک نگاه کلی به نظر می‌رسد که خانوادگی موفق چند مشخصه‌ی اصلی دارد که عبارت‌اند از: صمیمیت و همدلی، استقلال اعضای خانواده، رضایتمندی، تامین نیاز اعضای خانواده، انسجام خانواده، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی.

اولین و مهم‌ترین مؤلفه در خانوادگی موفق وجود روابط عاطفی، صمیمی و همدلانه است. این مؤلفه با ۱۴ گویه سنجیده شده است. مؤلفه‌ی دیگر در خانوادگی موفق، استقلال است. این مؤلفه با ۱۱ گویه سنجیده شده است. از

دیگر مؤلفه‌های خانواده موفق، رضایتمندی اعضای خانواده است. این مؤلفه با ۱۸ گویه سنجیده شده است. تأمین نیاز اعضای خانواده، از دیگر مؤلفه‌های مهم در یک خانواده موفق است. این مؤلفه با ۱۵ گویه سنجیده شده است. مؤلفه‌ی مهم دیگر در خانواده موفق، انسجام خانواده است. این مؤلفه با ۱۲ گویه سنجیده شده است. حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی از دیگر مؤلفه‌های مهم در خانواده موفق است. این مؤلفه با ۱۰ گویه سنجیده شده است.

۶-۲- تعریف نظری و عملیاتی خانواده‌ی جهت‌یاب (متغیر مستقل):

منظور از خانواده‌ی جهت‌یاب، خانواده‌ای است که فرزند در آن به دنیا آمده و رشد و نمو یافته و شخصیت او در آن خانواده شکل گرفته است. روشن است که مسائل ایجاد شده در خانواده جهت‌یاب، تأثیرات مستقیمی در زوج‌های آینده دارد. آداب و رسوم و الگوهای خانواده از هر جهت فرد را در بر گرفته‌اند و تمام رفتارهای پدر و مادر و اطرافیان مستقیم یا غیر مستقیم به فرزند منتقل می‌شود. بنابراین زن و شوهر در صورتی می‌توانند خانواده‌ی موفق‌ی داشته باشند که در خانواده سالم و موفق تربیت شده باشند.

پارسونز از دو نوع خانواده نام می‌برد. خانواده‌ای که فرد در آن رشد می‌کند و خانواده‌ای که فرد، آن را تشکیل می‌دهد. او خانواده‌ی اول را خانواده‌ی جهت‌یاب و خانواده‌ی دوم را خانواده‌ی فرزند‌یاب می‌نامد (اعزازی، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۵).

با توجه به اینکه در این پژوهش باید خانوادگی جهت‌یاب زن و خانوادگی جهت‌یاب شوهر هر یک به طور جداگانه سنجیده می‌شد، برای هر کدام ۱۷ گویه ساخته شد. بنابراین در مجموع با ۳۴ گویه، موفقیت خانوادگی جهت‌یاب زن و شوهر سنجیده شده است.

۷- پایایی و اعتبار پرسشنامه تحقیق

در این تحقیق برای سنجش پایایی داده‌ها از روش توافق داخلی و مهم‌ترین شاخص آن، آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است که میزان آلفای کرونباخ بیش از ۹۰ درصد بود.

همچنین برای حصول اطمینان از اعتبار وسیله‌ی اندازه‌گیری، مسیر زیر پیموده شده است:

۱- بعضی از پرسش‌ها از پرسش‌های آزمون شده در پژوهش‌های مشابه استفاده شده است.

۲- از استاد راهنما و سایر استادان متخصص جهت تأمین اعتبار صوری نظر خواهی شده است.

۳- طی آزمون مقدماتی اعتبار پرسشنامه سنجیده شده و با انجام ۶۰ پرسشنامه به صورت آزمون مقدماتی سؤالات بازبینی و اصلاح شده است.

۸- یافته های تحقیق

۸-۱- یافته های توصیفی

۸-۱-۱- سن پاسخ گویان

از آنجا که سن، یکی از متغیرهای مهم زمینه ای است، ابتدا به توزیع سنی افراد نمونه می پردازیم.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصدی سن پاسخ گویان

درصد	فراوانی	سن
۹/۸	۳۶	۲۰-۲۹
۲۹/۴	۱۰۸	۳۰-۳۹
۲۹/۷	۱۰۹	۴۰-۴۹
۱۹/۱	۷۰	۵۰-۵۹
۱۱/۴	۴۲	۶۰ و بیشتر
۹۹/۵	۳۶۵	جمع

جدول شماره ۱ نشان می دهد که ۱۰۹ نفر یا حدود ۳۰ درصد از پاسخ گویان در این نمونه متعلق به گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ ساله می باشند، که نمای این توزیع را می سازند. ۱۰۸ نفر یا حدود ۲۹ درصد به گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال تعلق دارند. در مجموع حدود ۵۹ درصد از پاسخ گویان متعلق به گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال هستند. با توجه به جامعه آماری، همان طور که انتظار می رود کمترین تعداد به گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال تعلق دارد که ۸/۹ درصد است.

۸-۱-۲- اختلاف سنی بین سن پاسخ‌گویان و همسرانشان

یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای، اختلاف سنی بین پاسخ‌گویان و همسرانشان است. اختلاف سن یک از متغیرهای مهم در بحث خانواده است. در جدول ذیل این موضوع مطرح می‌شود:

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصدی اختلاف سنی بین سن پاسخ‌گویان و همسرانشان

اختلاف سنی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
۱-۵	۱۸۳	۴۹/۹	۵۱/۴
۶-۱۰	۱۲۶	۳۴/۳	۳۵/۴
۱۱-۱۵	۴۰	۱۰/۹	۱۱/۲
۱۶-۲۰	۷	۱/۹	۲
جمع	۳۵۶	۹۷	۱۰۰

با توجه به جدول فوق، در این تحقیق اختلاف سنی بین ۱ تا ۵ سال بیشترین فراوانی را دارد و هرچه به طرف اختلاف سنی بیشتر می‌رویم فراوانی آن کاهش می‌یابد. این ارقام کاملاً با آمار موجود هم‌خوانی دارد. آمار و ارقامی که در زمینه‌ی سن خانم‌ها و آقایانی که در ۵ سال گذشته با هم ازدواج کرده‌اند نشان می‌دهد که موضوع بالا بودن سن آقایان و تفاوت سنی در حد چند سال، اهمیت گذشته‌ی خود را از دست داده است.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

۸-۱-۳- توصیف موفقیت خانواده (متغیر وابسته)

متغیر وابسته یعنی میزان موفقیت خانواده با شش مؤلفه‌ی توضیح داده شده، سنجیده شد. جدول شماره‌ی ۳ توزیع این سنجش را در سه سطح نشان می‌دهد:

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی شاخص کل موفقیت خانوادگی پاسخ‌گویان

موفقیت خانواده	فراوانی	درصد
ضعیف	۲۲	۶
متوسط	۲۴۱	۶۵/۷
زیاد	۱۰۴	۲۸/۳
جمع	۳۶۷	۱۰۰

بر اساس جدول فوق، ۲۲ نفر (۶ درصد) از خانواده‌های نمونه از موفقیت خانواده در حد ضعیف برخوردارند. بیشترین فراوانی مربوط به حد متوسط است، به طوری که ۲۴۱ نفر (حدود ۶۶ درصد) در این محدوده قرار می‌گیرند. ۱۰۴ نفر (بیش از ۲۸ درصد) موفقیت خانوادگی در حد زیاد را دارند. سلامت در سطح بالا، بیش از ۲۸ درصد است که رقم مطلوبی نیست و نشان دهنده‌ی هشدار است که باید به آن توجه شود.

۸-۲- یافته‌های علی (آزمون فرضیه‌ها)

اولین فرضیه‌ی کلی، بررسی رابطه‌ی موفقیت خانواده با موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بود.

موفقیت خانواده و تأثیر خانوادگی جهت یاب در آن

پس از سنجش موفقیت خانوادگی جهت یاب، تأثیر موفقیت خانوادگی جهت یاب در موفقیت خانواده بررسی می شود. جدول شماره ۴ این رابطه را نشان می دهد:

جدول ۴: رابطه‌ی موفقیت خانوادگی جهت یاب با موفقیت خانوادگی پاسخگویان (به درصد)

موفقیت خانوادگی جهت یاب / موفقیت خانواده	ضعیف	متوسط	زیاد	جمع
ضعیف	۱۷/۵	۳/۲	۰	۶
متوسط	۷۱/۳	۷۱/۹	۱۳/۲	۶۵/۷
زیاد	۱۱/۳	۲۴/۹	۸۶/۸	۲۸/۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

کندال تاو $C=0/29$ ، سطح معناداری $=0/000$

کای اسکوئر $=96/14$ ، سطح معناداری $=0/000$ و $\gamma=0/72$

ارقام سطر اول جدول شماره ۴ نشان می دهد که هر قدر از موفقیت خانوادگی جهت یاب کم به طرف موفقیت خانوادگی زیاد حرکت می کنیم، از درصد کسانی که موفقیت خانوادگی کم داشته اند، کاسته می شود و هر چه به طرف موفقیت خانواده جهت یاب بالاتر حرکت می کنیم بر درصد کسانی که موفقیت خانوادگی متوسط و بالا داشته اند افزوده می شود. در کل می توان گفت، با بالا رفتن موفقیت خانوادگی جهت یاب پاسخگویان، موفقیت خانوادگی آنها افزایش می یابد.

مقدار ضریب کندال، کای اسکوئر و گامای مشاهده شده، بیانگر آن است که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی تواند تصادفی

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

باشد، چرا که چنین احتمالی حدود ۱ در ۱۰۰۰۰ است. بنابراین، باید حکم به وجود ارتباط بین دو متغیر داد. با توجه به مثبت بودن ضریب کندال، رابطه‌ی دو متغیر مستقیم بوده و هر چه موفقیت خانوادگی جهت‌یاب افزایش یابد، سطح موفقیت خانواده نیز افزایش می‌یابد.

۸-۲-۱- رابطه‌ی موفقیت خانوادگی جهت‌یاب با مؤلفه‌های موفقیت خانواده همان‌طور که گذشت، موفقیت خانوادگی شش مؤلفه دارد. در ادامه به رابطه‌ی موفقیت خانوادگی جهت‌یاب با این شش مؤلفه می‌پردازیم. مؤلفه‌ی اول، صمیمیت و همدلی بین اعضای خانوادگی اصلی است. در جدول زیر رابطه‌ی موفقیت خانوادگی جهت‌یاب با صمیمیت و همدلی بین اعضای خانوادگی اصلی نشان داده شده است.

جدول ۵: رابطه‌ی موفقیت خانوادگی جهت‌یاب با صمیمیت و همدلی پاسخ‌گویان (به درصد)

جمع	زیاد	متوسط	کم	موفقیت خانوادگی جهت‌یاب
				صمیمیت و همدلی
۶/۴	۰	۲	۱۵	کم
۵۹/۴	۱۳/۲	۶۳/۹	۶۷/۵	متوسط
۳۶	۸۶/۸	۳۴/۱	۱۷/۵	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کندال تاو $C=0.27$ ، سطح معناداری $=0.000$

کای اسکوتر $=0.74/0.58$ ، سطح معناداری $=0.000$ و گاما $=0.66$

ارقام سطر اول جدول شماره‌ی ۵ نشان می‌دهد که هر قدر از موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب کم می‌شود به طرف موفقیت خانواده‌ی زیاد حرکت می‌کنیم و از درصد کسانی که صمیمیت و همدلی کم داشته‌اند، کاسته می‌شود؛ برای مثال ۱۵ درصد از کسانی که موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب آنها ضعیف است، صمیمیت و همدلی ضعیف نیز دارند. همچنین هر چه به طرف موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب بالاتر حرکت می‌کنیم بر درصد کسانی که صمیمیت و همدلی متوسط و بالا داشته‌اند افزوده می‌شود. در مجموع با بالا رفتن موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب پاسخ‌گویان، صمیمیت و همدلی آنها نیز افزایش می‌یابد.

مقدار ضرایب کندال و گاما و کای اسکوئر بیانگر آن است که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد، چرا که چنین احتمالی حدود ۱ در ۱۰۰۰۰ است. بنابراین می‌توان فرضیه‌ی «موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب بر میزان صمیمیت و همدلی اثر قابل توجه مستقیمی دارد» را تأیید کرد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های موفقیت خانواده، استقلال اعضای خانواده است. به این معنا که در یک خانواده‌ی موفق، اعضای خانواده مستقل‌اند. در جدول زیر رابطه‌ی موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب با این مؤلفه نشان داده شده است.

جدول ۶: رابطه‌ی موفقیت خانوادگی جهت یاب با استقلال پاسخ‌گویان (به درصد)

استقلال	موفقیت خانوادگی جهت یاب	کم	متوسط	زیاد	جمع
کم	۲۵	۶/۸	.	۱۰/۱	
متوسط	۶۷/۵	۸۱/۹	۴۷/۴	۷۵/۲	
زیاد	۷/۵	۱۱/۲	۵۲/۶	۱۴/۷	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کندال تاو $C=0.22$ ، سطح معناداری $=0.000$

کای اسکوتر $=72/14$ ، سطح معناداری $=0.000$ و گاما $=0.63$

براساس ارقام سطر اول جدول شماره ۶، هر قدر از موفقیت خانوادگی جهت یاب کم به طرف موفقیت خانوادگی زیاد حرکت می‌کنیم، از درصد کسانی که استقلال کم داشته‌اند، کاسته می‌شود. برای مثال ۲۵ درصد از کسانی که موفقیت خانوادگی جهت یاب آنها ضعیف است، استقلال ضعیف نیز دارند. هر چه به طرف موفقیت خانوادگی جهت یاب بالاتر حرکت می‌کنیم، به درصد کسانی که استقلال متوسط و بالا داشته‌اند افزوده می‌شود. در کل می‌توان گفت، با بالا رفتن موفقیت خانوادگی جهت یاب پاسخ‌گویان، استقلال آنها افزایش می‌یابد.

مقدار ضرایب کندال و گاما و کای اسکوتر بیانگر آن است که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد، چرا که چنین احتمالی حدود ۱ در ۱۰۰۰۰ است. با توجه به اینکه موفقیت خانوادگی جهت یاب بر موفقیت خانواده سبقت زمانی دارد، می‌توان این

موفقیت خانواده و تأثیر خانواده‌ی جهت‌یاب در آن

فرضیه را که "موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب در میزان استقلال اثر قابل توجه مستقیمی دارد" را تأیید کرد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های موفقیت خانواده، رضایتمندی اعضای خانواده است. رابطه‌ی رضایتمندی با موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب در جدول زیر دیده می‌شود.

جدول ۷: رابطه‌ی موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب با رضایتمندی پاسخ‌گویان (به درصد)

جمع	زیاد	متوسط	کم	موفقیت خانواده جهت‌یاب
				رضایتمندی
۷/۹	.	۶/۴	۱۶/۳	کم
۶۶/۵	۱۸/۴	۷۱/۹	۷۲/۵	متوسط
۲۵/۶	۸۱/۶	۲۱/۷	۱۱/۳	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

کندال تاو C=۰/۲۵، سطح معناداری=۰/۰۰۰

کای اسکوئر=۷۹/۸۸، سطح معناداری=۰/۰۰۰ و گاما=۰/۶۵

ارقام سطر اول جدول شماره‌ی ۷ نشان می‌دهد که هر قدر از موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب کم به طرف موفقیت خانواده‌ی زیاد حرکت می‌کنیم، از درصد کسانی که رضایتمندی کم داشته‌اند، کاسته می‌شود؛ برای مثال ۱۶/۳ درصد از کسانی که موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب آنها ضعیف است، دارای موفقیت خانواده‌ی ضعیف نیز می‌باشند. هر چه به طرف موفقیت خانواده‌ی جهت‌یاب بالاتر حرکت می‌کنیم به جز چند مورد، به درصد کسانی که موفقیت خانواده‌ی بالا داشته‌اند، افزوده می‌شود. در مجموع با بالا رفتن

موفقیت خانوادگی جهت یاب پاسخ گویان، رضایتمندی آنها افزایش می یابد. مقدار ضرایب کندال و گاما و کای اسکوئر بیانگر آن است که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی تواند تصادفی باشد، چرا که چنین احتمالی حدود ۱ در ۱۰۰۰۰ است. با توجه به اینکه موفقیت خانوادگی جهت یاب بر موفقیت خانواده سبقت زمانی دارد، می توان فرضیه‌ی ”موفقیت خانوادگی جهت یاب در میزان رضایتمندی اعضای خانواده اثر قابل توجه مستقیمی دارد“ را تأیید کرد.

مؤلفه‌ی دیگر موفقیت خانواده، تأمین نیاز اعضای خانواده است. به این معنا که در یک خانوادگی موفق نیازهای مختلف اعضا برآورده می شود. رابطه‌ی این مؤلفه با موفقیت خانوادگی جهت یاب در جدول زیر آمده است. جدول ۸: رابطه‌ی موفقیت خانوادگی جهت یاب با تأمین نیاز پاسخ گویان (به درصد)

تأمین نیاز	موفقیت خانوادگی جهت یاب	کم	متوسط	زیاد	جمع
کم	۱۶/۳	۲/۴	.	۵/۲	
متوسط	۶۵	۶۱	۱۰/۵	۵۶/۷	
زیاد	۱۸/۸	۳۶/۵	۸۹/۵	۳۸/۱	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کندال $C=0/28$ ، سطح معناداری $=0/000$

کای اسکوئر $=74/99$ ، سطح معناداری $=0/000$ و گاما $=0/66$

ارقام سطر اول جدول فوق نشان می دهد که هر قدر از موفقیت خانوادگی جهت یاب کم به طرف موفقیت خانوادگی زیاد حرکت می کنیم، از میزان درصد کسانی که با تأمین نیاز کم اعضا روبه رو هستند، کاسته می شود؛ برای

موفقیت خانواده و تأثیر خانوادگی جهت‌یاب در آن

مثال ۱۶/۳ درصد از کسانی که موفقیت خانوادگی جهت‌یاب آنها ضعیف است، تأمین نیاز اعضای خانواده ضعیف نیز دارند. هر چه به طرف موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بالاتر حرکت می‌کنیم، درصد کسانی که تأمین نیاز اعضای خانوادگی بالا داشته‌اند افزوده می‌شود. در کل می‌توان گفت، با بالا رفتن موفقیت خانوادگی جهت‌یاب پاسخ‌گویان، تأمین نیاز اعضای خانواده آنها افزایش می‌یابد.

مقدار ضرایب کندال و گاما و کای اسکوئر، بیانگر آن است که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد، چرا که چنین احتمالی حدود ۱ در ۱۰۰۰۰ است، بنابراین باید حکم به وجود ارتباط بین دو متغیر داد. با توجه به اینکه موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بر تأمین نیاز اعضای خانواده سبقت زمانی دارد، می‌توان فرضیه‌ی "موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بر میزان تأمین نیاز اعضای خانواده اثر قابل توجه مستقیمی دارد" را تایید کرد.

مؤلفه‌ی دیگر موفقیت خانواده، انسجام اعضای خانواده است. به این معنا که در یک خانوادگی موفق اعضای خانواده با همدیگر منسجم هستند. رابطه‌ی این مؤلفه با موفقیت خانوادگی جهت‌یاب در جدول شماره‌ی ۹ آمده است.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

جدول ۹: رابطه‌ی موفقیت خانوادگی جهت یاب با انسجام خانواده پاسخ‌گویان (به درصد)

انسجام	موفقیت خانوادگی جهت یاب		
	کم	متوسط	زیاد
کم	۱۳/۸	۴/۸	۰
متوسط	۷۵	۷۴/۳	۳۶/۸
زیاد	۱۱/۳	۲۰/۹	۶۳/۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

کندال تاو $C=0/20$ ، سطح معناداری $=0/000$

کای اسکوتر $=48/9$ ، سطح معناداری $=0/000$ و گاما $=0/58$

ارقام سطر اول جدول فوق حاکی است که به جز دو مورد، در سایر موارد، هر قدر از موفقیت خانوادگی جهت‌یاب کم به طرف موفقیت خانوادگی جهت‌یاب زیاد حرکت می‌کنیم، از میزان درصد کسانی که انسجام خانوادگی کم داشته‌اند، کاسته می‌شود؛ برای مثال $13/8$ درصد از کسانی که موفقیت خانوادگی جهت‌یاب آنها ضعیف است انسجام خانوادگی ضعیف نیز دارند. هر چه به طرف موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بالاتر حرکت می‌کنیم، به درصد کسانی که موفقیت خانوادگی متوسط و بالا داشته‌اند افزوده می‌شود. در مجموع با بالا رفتن موفقیت خانوادگی جهت‌یاب پاسخ‌گویان، انسجام خانوادگی آنها افزایش می‌یابد.

مقدار ضرایب کندال و گاما و کای اسکوتر، بیانگر آن است که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد، چرا که چنین احتمالی حدود ۱ در ۱۰۰۰۰ است، بنابراین باید حکم به وجود ارتباط بین دو متغیر داد. با توجه به اینکه موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بر موفقیت

موفقیت خانواده و تأثیر خانوادگی جهت‌یاب در آن

خانواده سبقت زمانی دارد، می‌توان این فرضیه را که "موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بر میزان انسجام خانوادگی اثر قابل توجه مستقیمی دارد" تأیید کرد.

مؤلفه‌ی دیگر موفقیت خانواده، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی-اسلامی در خانواده است. به این معنا که در یک خانوادگی موفق ارزش‌های اخلاقی و اسلامی جاری است. رابطه‌ی این مؤلفه با موفقیت خانوادگی جهت‌یاب در جدول شماره ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰: رابطه‌ی موفقیت خانوادگی جهت‌یاب با حاکمیت ارزش‌های اخلاقی-اسلامی

در خانوادگی پاسخ‌گویان (به درصد)

جمع	زیاد	متوسط	کم	موفقیت خانوادگی جهت‌یاب
				حاکمیت ارزش‌های اخلاقی-اسلامی
۴/۹	۰	۳/۲	۱۲/۵	کم
۵۹/۹	۲۳/۷	۶۵/۱	۶۱/۳	متوسط
۳۵/۱	۷۶/۳	۳۱/۷	۲۶/۳	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

کنندال تاو=۰/۱۸، سطح معناداری=۰/۰۰۰

کای اسکوئر=۴۳/۱۲، سطح معناداری=۰/۰۰۰ و گاما=۰/۴۶

ارقام سطر اول جدول فوق نشان می‌دهد، به جز یک مورد در سایر موارد هر قدر از سطح موفقیت خانوادگی جهت‌یاب کم به طرف سطح موفقیت خانوادگی زیاد حرکت می‌کنیم، از درصد کسانی که حاکمیت ارزش‌های اخلاقی-اسلامی کم داشته‌اند، کاسته می‌شود؛ ۱۲/۵ درصد از کسانی

که موفقیت خانوادگی جهت‌یاب آنها ضعیف است، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی ضعیف نیز دارند. هر چه به طرف سطح موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بالاتر حرکت می‌کنیم، به درصد کسانی که حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی متوسط داشته‌اند، افزوده می‌شود. در مجموع با بالا رفتن سطح موفقیت خانوادگی جهت‌یاب حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی آنها نیز افزایش می‌یابد.

مقدار ضرایب کندال و گاما و کای اسکوئر، بیانگر آن است که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد، چرا که چنین احتمالی حدود ۱ در ۱۰۰۰۰ است، بنابراین باید حکم به وجود ارتباط بین دو متغیر داد. با توجه به اینکه موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بر حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی سبقت زمانی دارد، می‌توان فرضیه‌ی "موفقیت خانوادگی جهت‌یاب بر میزان حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی اثر قابل توجه مستقیمی دارد" را تأیید کرد.

۹- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اساس سلامت جامعه و بنیان صحیح آن بر موفقیت خانواده و کارکرد درست آن مبتنی است. جامعه یک سیستم است که اگر یک جز آن با نارسایی روبه‌رو باشد کل سیستم با مشکل جدی مواجه می‌شود. از این رو جامعه باید برای سلامت اجزای خود تلاشی جدی داشته باشد. از طرف دیگر موفقیت خانواده در یک جامعه‌ی سالم امکان‌پذیر است. در واقع جامعه را می‌توان به

یک کشتی تشبیه کرد که همه‌ی اعضایی که بر آن سوار هستند باید در حفظ سلامت آن بکوشند، زیرا هر گونه نقصی در کشتی سلامت همه‌ی اعضا را به خطر می‌اندازد. بی‌تردید تربیت خانوادگی در شخصیت افراد مؤثر است. از این رو می‌توان گفت یکی از عوامل مؤثر در موفقیت خانواده، موفقیت خانوادگی جهت‌یاب زوجین است. بسیاری از رفتارها در خانواده باز تولید رفتارهایی است که فرد در خانوادگی جهت‌یاب خود آنها را فرا گرفته است. از سوی دیگر، ناموفق بودن خانواده، نتیجه‌ی انتقال تربیت غلط از نسلی به نسل دیگر است. برخورد سیستمی با خانواده چگونگی انتقال تربیت غلط از نسلی به نسل دیگر را توضیح می‌دهد. موفقیت خانواده را می‌توان با شش متغیر اصلی تعریف کرد که عبارت‌اند از صمیمیت و همدلی، استقلال اعضای خانواده، رضایتمندی، تأمین نیاز اعضای خانواده، انسجام، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی.

بررسی‌ها در این تحقیق نشان داد که با بالا رفتن موفقیت خانوادگی جهت‌یاب، موفقیت خانوادگی اصلی افزایش می‌یابد. بسیاری از اصول و مؤلفه‌هایی که برای یک زندگی موفق و سالم نیاز است، در خانوادگی جهت‌یاب موفق آموزش داده می‌شود و در فرزندان این اصول موفقیت نهادینه می‌شود. خانوادگی جهت‌یاب باید زمینه و ظرفیت مهر و عطوفت را در افراد بالا ببرد و آنها را برای زندگی صمیمانه و سرشار از مهر و محبت در خانوادگی آینده پرورش دهد.

مبنای استقلال همسران در خانواده‌ی پدری شکل می‌گیرد. پدران و مادران باید فرزندان خود را افرادی مستقل و متکی به خود بار بیاورند و آنها را برای زندگی پویا، مستقل و به دور از وابستگی آماده سازند. روحیه‌ی رضایت و قناعت در افراد در دورانی شکل می‌گیرد که افراد در خانواده‌ی پدری هستند. این روحیات کم کم تبدیل به عادت خواهد شد و در زندگی آینده این روش ادامه می‌یابد. بنابراین خمیر مایه‌ی سطح رضایتمندی خانواده‌ها در خانواده پدری شکل می‌گیرد و پدر و مادر باید این روحیات را در فرزندان القاء کنند و فرزندان را از توقعات بیجا و درخواست‌های بی‌مورد و دنباله‌دار منع کنند. طبیعی است که یک خانواده نیازهای مختلف مادی و معنوی دارد. افراد در خانواده‌ی پدری یاد می‌گیرند که در برابر نیازهای افراد بی‌تفاوت نباشند. آنها یاد می‌گیرند که در مقابل افراد خانواده متعهد و مسئول باشند. تلاش در رفع نیازهای اعضای خانواده، تعهد در برابر اعضای خانواده و همکاری و همراهی باید در خانواده‌ی پدری نهادینه شود. پدر و مادر باید فرزندان خود را متعهد بار آورند و آنها را از بی‌توجهی به اطرافیان منع کنند. انسجام خانواده، مؤلفه‌ی دیگری در موفقیت خانواده است. انسجام خانواده با زیر مؤلفه‌هایی همچون تفکیک نقش‌ها، حل مسالمت‌آمیز مشکلات، انطباق‌پذیری و همبستگی، رعایت قوانین خانوادگی و مذاکره و گفت‌وگو به وجود می‌آید. افراد در خانواده‌ی جهت‌یاب یاد می‌گیرند، نقشی را که به عهده دارند به خوبی انجام دهند، یا در مواجهه با مشکلات خود را نیازند و با بردباری و متانت به حل مسالمت‌آمیز آن اقدام کنند. همبستگی خانوادگی را مهم بشمارند و هیچ‌گاه از خانواده‌ی خود عبور نکنند. قوانین خانوادگی

را محترم بشمارند و به آن پای‌بند باشند. مذاکره و گفت‌وگو علاوه بر آنکه به حل مشکلات می‌انجامد، مهر و محبت را به ارمغان می‌آورد. لذا افراد در خانوادگی پدر خود باید یاد بگیرند که زمانی را برای گفت‌وگو با اعضای خانواده اختصاص دهند.

خانوادگی جهت‌یاب بهترین موقعیت برای القای حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی در فرزندان است. ارزش‌های اخلاقی - اسلامی اگر دقیق و عمیق به فرزندان آموزش داده شود، در وجود آنها نهادینه شده و همیشه به آن پای‌بند خواهند ماند. زندگی آینده‌ی خود را بر اساس ارزش‌های اخلاقی و اسلامی بنا خواهند کرد و در تعاملات خانوادگی خود این ارزش‌ها را حاکم می‌کنند. در یک خانوادگی موفق، پدر و مادر، خوب می‌دانند که رفتارهای خوب و بد آموختنی است و پدر و مادر الگوهای رفتاری فرزندان خواهند بود. فرزندان در خانوادگی یاد می‌گیرند که افرادی سالم باشند یا افرادی ناسالم و بزه‌کار. یادگیری نه تنها از طریق آموزش زبانی و پند و اندرزها صورت می‌گیرد، بلکه رفتارها مؤثرترین الگوهای آموزشی هستند. از این رو منشاء عشق، محبت، صمیمیت، احترام، تعهد و مسئولیت‌پذیری و ایمان و معنویت در خانوادگی اصلی را باید در خانوادگی جهت‌یاب موفق جست‌وجو کرد. در صورتی که خانوادگی آموزشگاه مناسبی برای فرزندان نباشد نمی‌توان انتظار داشت که فرزندان صالحی در خانوادگی پرورش یابند و خانوادگی موفق را در آینده تشکیل دهند. از این رو خانواده‌ها باید بدانند که رفتار آنها در فرزندان تأثیر مستقیم دارد و فرزندان در زندگی آینده‌ی خود از این رفتار الگوبرداری کرده و آنها را باز تولید می‌کنند. نهادهای آموزشی

ما و مؤسسات مربوطه و رسانه‌های جمعی باید در برنامه‌ریزی‌های خود به این امر توجه داشته باشند و به پدران و مادران در مورد رفتارشان و انعکاس آن رفتار بر فرزندان آگاهی بیشتری بدهند.

منابع

- ◀ آریا تبار، آناهیتا ۱۳۸۴. «رابطه بین سطح موفقیت خانواده اصلی زنان پرستار با میزان مشکلات زناشویی آنان». دانشگاه علوم پزشکی قزوین.
- ◀ آزاد آرامکی، تقی ۱۳۸۶. *جامعه‌شناسی خانواده‌ی ایرانی*، تهران، سمت.
- ◀ استریت، ادی ۱۳۷۸. *مشاوره‌ی خانواده نظر و عمل در نگرش سیستمی*، ترجمه‌ی مصطفی تبریزی و علی علوی‌نیا، تهران، فراروان.
- ◀ اعزاز، شهلا ۱۳۸۷. *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ◀ اکستین، دنیل و کرن روی ۱۳۸۹. *ارزیابی و درمان سبک زندگی*، ترجمه‌ی حمید علیزاده، محسن سیفی و فروزان کرمی، اهواز، رسش.
- ◀ بارکر، فیلیپ ۱۳۸۸. *خانواده درمانی پایه*. ترجمه‌ی محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران، رشد.
- ◀ براد شاو، جان ۱۳۸۶. *خانواده، تحلیل سیستمی خانواده*. ترجمه‌ی مهدی قراچه داغی، تهران، لیوسا.
- ◀ به پژوه، احمد ۱۳۸۹. *ازدواج موفق و خانواده سالم چگونه؟*، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
- ◀ خدایی، ابراهیم، علی نقدی و علی معدنی پور. «والدین، نوجوانان، ارزش‌های خانوادگی؛ ترجیح اطاعت یا استقلال»، تهران، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ۳، ش ۱۲ (۱۳۸۶).
- ◀ دی. نای، رابرت ۱۳۸۱. *سه مکتب روانشناسی، دیدگاه‌های فروید، اسکینر و راجرز*، ترجمه‌ی سید احمد جلالی، تهران، پادرا.

- ◀ روزن باوم، هایدی ۱۳۶۷. خانواده به منزله‌ی ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه‌ی محمد صادق مهدوی، تهران، نشر دانشگاهی.
- ◀ زیبایی نژاد، محمد رضا ۱۳۹۱. جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی، قم، هاجر.
- ◀ سالاری فر، محمد رضا ۱۳۸۷. خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، تهران، سمت.
- ◀ مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ (۱۳۸۸).
- ◀ سفیری، خدیجه، سارا ایمانیان ۱۳۸۸. جامعه‌شناسی جنسیت، تهران، جامعه‌شناسان.
- ◀ فرید، محمد صادق ۱۳۸۸. درآمدی بر خانواده و خویشاوندی، دانه.
- ◀ گلدنبرگ، ایرنه، هربرت گلدنبرگ ۱۳۸۶. خانواده درمانی، ترجمه‌ی حمید رضا حسین شاهی برواتی، دکتر سیامک نقش‌بندی و الهام ارجمند، تهران، روان.
- ◀ گلزاری، محمود. «پری رو تاب مستوری ندارد»، سپیده دانایی (ماهنامه مشاوره روانشناسی)، ش ۴۳ (۱۳۹۰).
- ◀ گیدنز، آنتونی ۱۳۸۶. راه سوم باز سازی سوسیال دموکراسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، تهران، شیرازه.
- ◀ گیدنز، آنتونی ۱۳۷۹. جهان رها شده، ترجمه‌ی دکتر علی اصغر سعیدی، یوسف حاجی عبدالوهاب. تهران، علم و ادب.
- ◀ مک کی، ماتیو و پاتریک فنینگ ۱۳۸۹. رشد و افزایش عزت نفس. ترجمه‌ی مهرناز شهرآرای. تهران، آسیم.
- ◀ مک گراو، فیلیپ ۱۳۸۸. خانواده موفق، ترجمه‌ی محمد مهدی شریعت باقری. تهران، دانه.
- ◀ الیاس، موریس جی و تویاس، استیون ای و فرید لندر، برایان اس ۱۳۸۹. پرورش هوش هیجانی نوجوانان، ترجمه‌ی فیروزه کاوسی. تهران، رشد.

- Chibucos, Thomas & W. Leite Randall (2002). *Family Theory*, Sage Publications.
- E.Ables, Dovoathy (1995). "Father Adult Children Relationships A Comparison Between Divorced And Intact Families" Master Thesis, California State University.
- Adam, Bert N. (1986). *The Family: A Sociological Interpretation*, Fourth Edition, New York: Harcourt Brace Publishers.
- Skolnick, Arlene S. (1983). *The Intimate Environment: Exploring Marriage and Family*. Third Edition. Boston and Toronto: Little, Brown and Company.
- Falicov, Celia Jaes, 1988. "Family Transitions: Contiuiuity & Change Over The Life Cycle". Gilfovd publication.
- Heung Ki Lee, 2008. "The Impact Of Family Satisfaction Christian Life Korean- American Interracial Family. Tulsa, Oklahoma